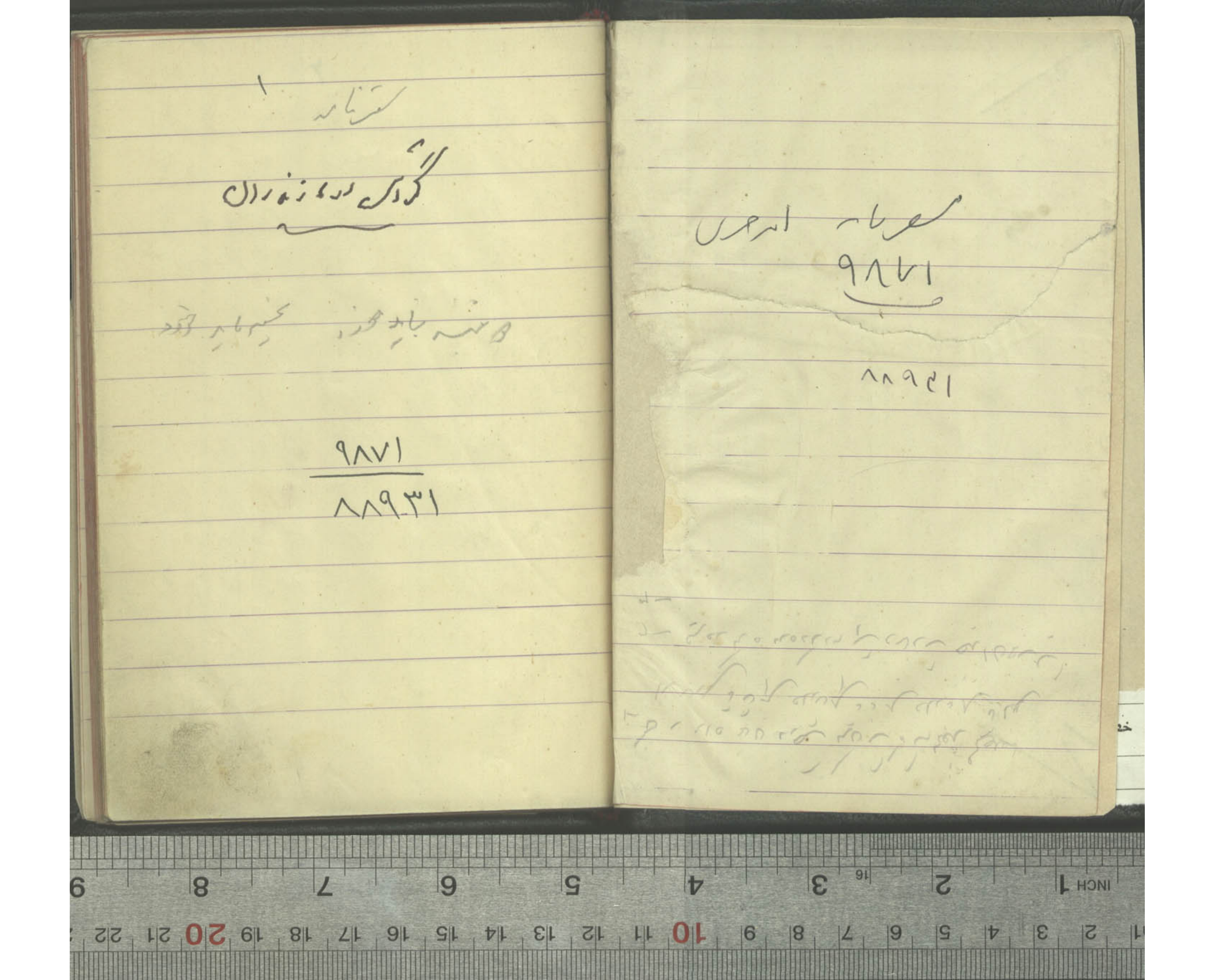


سفرنامه
٩٨٧١
٨٨٩٣١
٩٨٧١
٨٨٩٦١

[illegible]

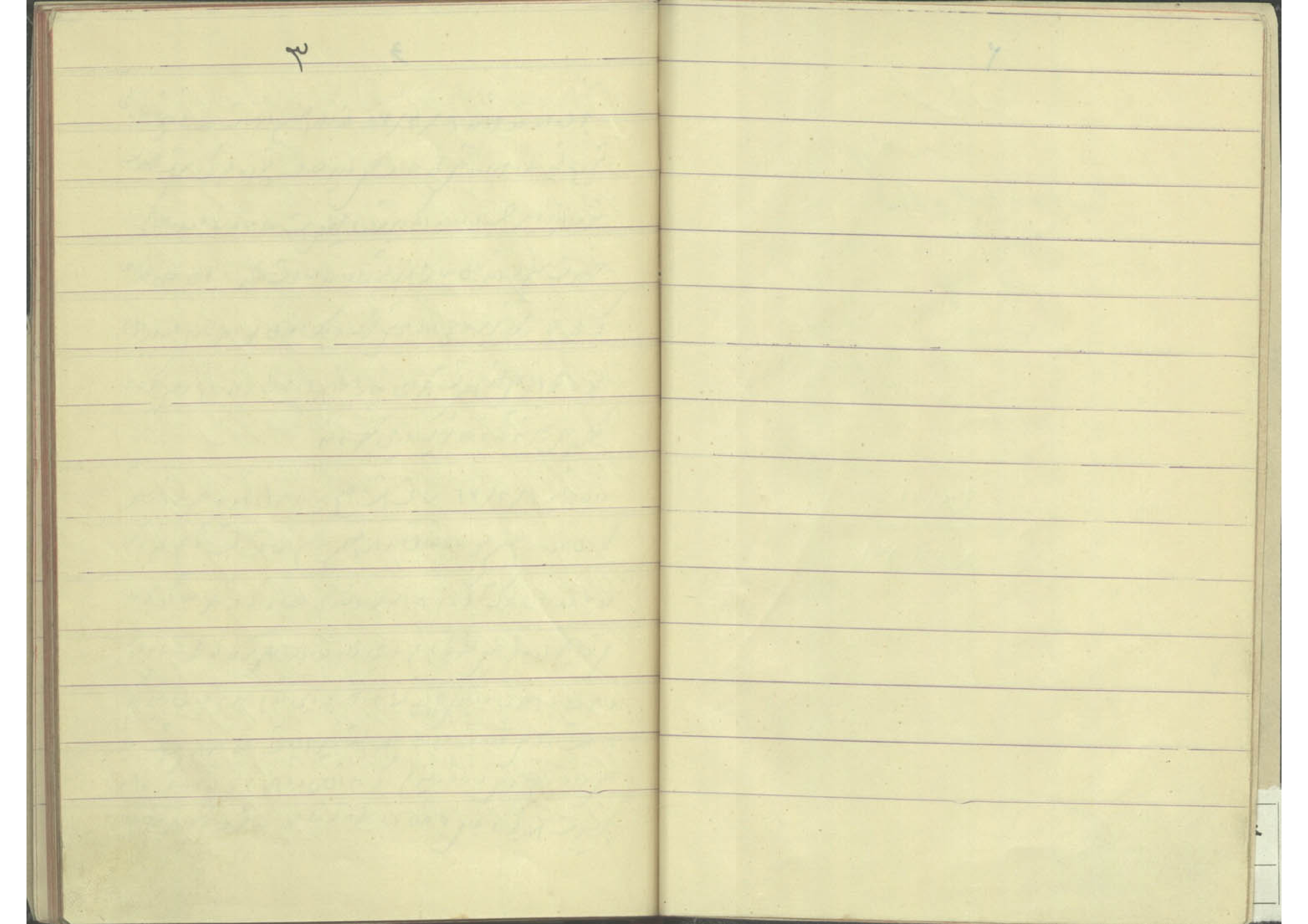
[illegible]

١٧٨٩

[illegible]

١٧٨٤

١٣٨٨



[illegible] ۹ / ۳ / ۱۷ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] ۹ / ۳ / ۱۲ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

جوازی رجوع به صفحه نه شد بود اگر توجهی کنم به جهی [illegible] جواز را گرفتیم

ساعت یازده بجم رسیدیم که اتوبوس را (دو جا) می گفتند وزیر بود و خان

بید صندلی که اتوبوس نشسته به خیابان ها جور دوم کرده و جا جوب و تمیز

لوله [illegible] داشت و جنس [illegible] را دانی حال [illegible] یک جد و جعبه

مطلع شده [illegible] تحقیق حرکت کردیم و ولی از پنج و نیم تا [illegible] کرده

را [illegible] الکلامی [illegible] ماده نوکه [illegible] زندگانی گوئیم [illegible]

را از روی [illegible] خیابان [illegible] که بابی [illegible] فرود کرده بودن با [illegible]

[illegible] از ۳ تا نیم ماده [illegible] [illegible] که به [illegible] تو او را

[illegible] کتاب [illegible] بودیم.

جوانان [illegible] فرود کرده رسیدیم [illegible] جدا از [illegible]

از جمله [illegible] و تجارت [illegible] تا [illegible] بیدار [illegible]

[illegible] توقف کردیم

[illegible] از [illegible] شدیم چون [illegible] داده [illegible] دیگر [illegible] شدیم

[illegible] خیابان [illegible] [illegible] زیاد [illegible] بودیم [illegible]

[illegible] از [illegible] خیابان [illegible] دارد

از جمله نوکه اولین ساطر صبح [illegible] که [illegible] تمام [illegible] راه [illegible]

پنج و نیم [illegible] [illegible] واید [illegible] حرکت [illegible]

از [illegible] که در عرض راه دیدیم (ماشین کاری) [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] را [illegible]

[illegible] حرکت کردیم [illegible] حرکت می کردیم [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] [illegible] دارد

[illegible] ماشین [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] گفتند [illegible]

[illegible] می گفتند [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

خیابان [illegible] خیابان [illegible] خیابان [illegible]

[illegible] دارد [illegible] [illegible] راه [illegible]

شده با این تفاوت که علاوه بر آنها همه [illegible] . علاوه بر آن [illegible]

[illegible] با آن [illegible] شده [illegible] می‌شود [illegible]

[illegible] این [illegible] که [illegible] شده [illegible]

[illegible] نظر آن [illegible] شده [illegible]

خوب [illegible] که [illegible]

[illegible] کردم [illegible] که [illegible] و جواب [illegible]

[illegible] جواب ۱۵ [illegible] .

[illegible] از [illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] داده [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible] بودم [illegible]

کردم [illegible]

[illegible] کردم [illegible]

روز سه‌شنبه ۱۰ / ۳ / ۱۷

[illegible] از خواب بیدار شدم [illegible] که [illegible]

[illegible] جواب داده [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] کردم [illegible]

[illegible] کردم [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] داده [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] عمارت [illegible]

دیگری [illegible] داده است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این تخت [illegible] در [illegible] عمارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تا خود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳۰۰ [illegible]

ازان دوره آثاری از حمام [illegible] که سطح و دیوارها

[illegible] آن با آجر کاشی [illegible] است از [illegible]

هر یک از [illegible] قسمت [illegible]

دوران صفویه است [illegible]

در جنب این قصر که [illegible]

موجود است که [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] این قصر که در دوران صفویه [illegible] عمارت و اطاق‌های

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است

پس از [illegible] از قصر [illegible]

[illegible] در دوران صفویه این قصر [illegible] گردید

این قصر [illegible] که [illegible] آن [illegible]

[illegible]

از جمله قصر [illegible] است که [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قصر [illegible]

در این قصر [illegible]

[illegible]

چون [illegible] لازم بود [illegible] دیدیم مرخص [illegible] کردیم [illegible]
ساعت یک و نیم و اندی ساعت (شب) [illegible] منزل [illegible] داده
[illegible]
داشتند: [illegible] تقفی
[illegible]
[illegible] داده [illegible]
[illegible] داده [illegible]
[illegible] قصر [illegible]
[illegible]
ساعت [illegible]
و ساعت ۱۱ [illegible]
[illegible] داده [illegible]
[illegible] قصر [illegible]

بعد [illegible] قصر [illegible] درخت
[illegible] قصر [illegible]
[illegible] درخت [illegible]
[illegible]
[illegible] قصر [illegible] طبقه است [illegible]
درخت [illegible] درختان دیگر [illegible]
[illegible] قصر [illegible] قصر [illegible] طرف دیگر [illegible] قطعه
[illegible]
[illegible] درخت [illegible] درختان [illegible]
[illegible] قصر [illegible] کردن [illegible]
[illegible] کردیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قطعه [illegible] کرده بود [illegible]

در اینجا فهمیدم که [illegible]

از جهت [illegible] اشخاص [illegible]

مخصوص [illegible] دیدیم [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] بود .

[illegible] که ده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دارای ۴۲ و ۳۴ [illegible]

[illegible]

([illegible]) [illegible]

[illegible]

دارای [illegible] خوب است که در [illegible]

[illegible]

۵۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۹۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

خوب [illegible] .

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰

از محمود آباد به طرف شاهی که چهار فرسخ است و کارخانه چوب

بری دارد که تماشایی است [illegible] توقف کردم که [illegible]

در آنجا کارخانه [illegible] که [illegible] چوب را داد

از آنجا به طرف شهر رفتیم عمارات [illegible] دارد [illegible]

[illegible] را دیدیم که دکان [illegible] است و [illegible]

[illegible]

از آنجا [illegible] رفتیم کارخانه [illegible] در آنجا

[illegible]

[illegible] رفتیم [illegible] درست کردن [illegible]

[illegible] (بار [illegible]) تا [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] کارخانه [illegible]

[illegible]

[illegible] دیگر [illegible]

۱۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] را دارد

راه سر را [illegible] ان [illegible] ادم [illegible] زیرا [illegible] که

این مکان خوب ان واقع است در دامنه کوهی که با درختان
انبوه جنگل مانند کوه زمردین بنظر می آید این کوه مثلث شکل
متصل یک برده و بر کوه دیگری با همین وضع تقریباً هم واقع شده
و چندین عمارات عالی که در اینجا هم در دامنه مرتفع این کوهها
ساخته شده است که بهترین آنها قصر اعلیحضرت پهلوی است
که از سنگ مرمر سفید ساخته شده است و این قصر دارای
باغی است پر از اشجار سرسبز و گلهای رنگین و شباهت
بی دیگر اینکه و بعداً از شهرها و شهرداری هم هریک
دارای عمارت دلکش است و چندین آپارتمان ساخته شده
که اگر کسی بخواهد با اهل و عیال مدتی در آنجا توقف کند
و مایل باشد مهمانخانه نباشد در آن آپارتمانها منزل
میکند و کرایه آپارتمانها هم بیشتر نیست موقع و دیگر عمارت
تفاوت میکند از بیع زاده یک از خانه ها را کرایه کرده بود

که دارای دو یا سه اطاق بود اما آنها بیست و پنج اطاق و سه تا مهمانخانه
با امر اعلیحضرت پهلوی ساخته شده بدین ترتیب :

نمره : ۱ — ۲ — ۳

نمره یک در سر راه واقع شده عمارتی است توسط دولت عالی
خیلی مبله و مزین نیست و کرایه هر شب برای هر نفر دو تومان است
خوراکش هم نسبتاً بد است
نمره دو هم که در دامنه کوه واقع شده عمارت زیبا و قشنگی است ده تا اطاق
و منظره خوب دارد و کرایه هر شب پنج تومان و یک خوراک چهار تومان
نمره یک عمارتی است با ... و سه طبقه اما نه منظره خوب دارد
و هم چیز در کمال لطافت و نفیس است صندلی‌ها مبل‌ها پرده‌ها
مخمل و فرش‌های قیمتی تختخوابهای گران بها هر کدام در حدود
خود بی‌نظیر است این عمارت هشت سالون‌های نهارخوری
و صبحانه خوری دارای سی و پنج اطاق است هر اطاق

ارزانی، اطاق دیگری بوسیله در مشکی با رنگ راه دارد که این
اطاق سرتاسر فرشی بسیار شده(؟) و حمام با حوض و شیر با لطیفه را
دارد است
سرویس نظافت و دربان و غیره در اینجا منظم است که تمام جوان
و با لباس‌های با لطافت و همه مرتب و پاکیزه است
مدیر مهمانخانه سریلی(؟) است و اسمش در اینجا (رنگین) است
و نظم و ترتیب کاملاً حکم فرماست و وضع را طوری درست
کرده‌اند که هر که به اینجا وارد و تنها(؟) باشد تمام قواعد
و ترتیب ادب را مراعات دارد
کرایه اطاق ۲ نفری در طبقه اول ~~[illegible]~~
از نمره (۱) تا نمره (۸) هر اطاق شبی پنج تومان
و یک نفری چهار تومان از نمره ۹ تا ۳۵ طبقه دوم
و سوم هر اطاق یک نفری ۳ تومان و هر اطاق دو نفری

نتیجه ثانی است(؟)

خوراک در اینجا در اوقات معین حاضر است اگر در غیر وقت کسی وارد شود
اعم از اینکه خوراک موجود باشد یا نه پذیرایی نمی‌شود اوقات
خوراک بدین گونه است:

۱ـ صبحانه: از ساعت ۶½ تا ساعت ۹
۲ـ نهار از ساعت ۱۲ تا ساعت ۱۳½
۳ـ شام از ساعت ۱۹ = ۲۱½

قیمت صبحانه ۷ ریال شیر و مربا و نان و چای و پنیر و کره و تخم مرغ
قیمت نهار و شام هر یک ۱۲ ریال سوپ دو خوراک
پلو و شیرینی.
چای و قهوه هر کدام ۲ ریال است
در قیمت مشروبات چون احتیاج نبودم اطلاع پیدا نکردم
بجز از صبحانه نه در هیچ موقعی نهار و شام توی اطاق صرف نمی‌شود
و باید هر کس باشد به سالون بیاید.

حمام رامسر که آب گرم معدنی است مفصل و بزرگ
مهمانخانه است و از آب گرمهای معروف است که برای
امراض عصبی و روماتیزم بسیار نافع و نفعش از آب آن
شفا بخش‌تر است مثل آن که سابقاً در لجن زاری بوده
با سنگ سفید در شهر اطاق بزرگ است پوشیده و تعمیر
دیگر حتی ورود انبار آن ادر و در روزگی مثل حمامی
با زینت درست شده است که دارای حوض خیلی زیبا است
که آب گرم از لوله‌های آهنی بواسطه شیر دستی توی حوض حمام
ریخته میشود و حتی برای بزرگی در این حمام وسایل آب
در بالای حوض از جای بلند شده است که گویا سر بگیرد بالا آب
باید دانست که رامسر در پایان جنگل و کنار دریا واقع شده است
و کمی از شهر بر رامسر می‌آید تا شاید یک فرسخ یا کمتر باشد
و کم برامسر مانده جاده آسفالت شده است دور رامسر

راه دو شعبه میشود یکی از اول جاده است که سوارها بخواهند توقف کنند
با آن راه بروند یکی راهی است که تو گویا ساحت باغ و بیشتر
بطرف مهمانخانه‌ها میروند و این راه جلوی از شهر عمارت
مهمانخانه تنگ بود و در نزدیک مهمانخانه محکم بسیار پیچ‌های دیگر و سیاه میشود
و دور همه جا یک طرف راه را نرده کشیده‌اند چه راهی که مهمانخانه
میروند چه راه عمومی مخصوص مسافرین این دو راه که با نرده و گلکاری است
باغی است که شاید بزرگتر خیلی کمتر و مخصوص جلوی مهمانخانه
عرض دارد و دورهای دیگر درختهای بزرگ و نارنج
ترکیب گاه شده و ... بالای
از باغ آورده و گلکاری نیز بریده شده است و وسط گلکاری جاده
که مخصوص باغ است گلکاری است ولی نه گلکاری معمولی
جالب با هنر آنها و سلیقه‌ای گلکاری شده است که انسان غرق حیرت
و تماشا میشود و بوی عطر تمام فضا را پر کرده است و جلوتر حوض
بزرگی در وسط واقع است که آب از مجسمه‌های آن جاری است

~~از عمارت مهمانخانه تا اول ازگلی نگاه کنید می‌شود~~

از جاده و میدان تمام در شعبی عمارت مهمانخانه راه شده است

(دست راست شمالی است) تا لب دریا که تقریباً هر کدام [illegible] متر

میشود طولانی راه شانیر از هر طرف به سه قسمت بزرگ شده [illegible]

شده است و درخت‌های کاج و سرو هم در کنار راه کاشته شده است

این راه منتهی میشود به [illegible] که میرسیم به [illegible] تمام

دریاچه و عمارت بارانداز است دارای مصالح بسیار بزرگ

و اطاق‌های زیادی که برای استحکام دریاچه ساخته شده است

و شعبی عمارت که با دریا چند متر فاصله دارد ریگ

نرمی است که شاید کسانیکه بخواهند با آب دریا بروند

بروی ریگ دراز کشیده محفوظ باشند که اطاقها دارای [illegible]

که آب دریا بواسطه طوفانهایی ~~[illegible]~~ که در فصل زمستان میشود

و این ریگ برای این است که وقتی دریا بخواهد در دریا باشد

یا شسته و شور کند.

از عمارت مهمانخانه بطرف پشت پله است تا میرسید به باغ خصوصی و این

این پله‌ها در هر دست و پنج پله دارای اشکال دیگری است و جنس زیرکی

به درب عمارت منتهی میشود پله‌ها صحن منقوش کرده است و مجسمه

در هر طرف دو پلکان است که به شکل شیرهای سنگی در ایران است

که یکی دو درخت دارد و در زمستان و تابستان در سر و آن

دیگر [illegible] ارتفاع آنها دارند اگر کسی از درب ورود عمارت مهمانخانه

به قاز نگاه کند در شعبی خود خط مستقیم می‌بیند که همان راه

شوسه قدیم جلوخان از پایان پله‌ها گذشته به قاز میرسد شخصی که در

آن گذشت. اطراف مهمانخانه و عمارت شاهی و سایر

عمارتها تا بدانجا که منتهی میشود با اول آن کوچه‌هایی است که تنها

که با درختان انبوه چوبها کشیده و اطراف آنها راهی است

[illegible] گل کاری شده است یا اینکه درختهای بزرگ کاشته اند

یا سایر درختان را زده بزرگتر و لباس خود [illegible] که اینجا هم

در تمام سرکه خیلی بود و تمام این فضاها پست که [illegible] مصرف

از لب دریا تا به دیواری در جهانی فرعی را دارد تا تمام [illegible]

دنبال آن با این کارهای بزرگ خود را در کل کارهای دوره کار می‌کند
و شهید در راه این در جای جنگی با برنامه کاری و غیره است
شب پر نور چراغهای الکتریک تمام فضا را روشن می‌دارد و در این
دور راه سرای شهدا، و تابلوی پرشکوه تصویر کرد که شاه و مهمانان
با گاهی نظری در اینجا دید، با شعر و مجسمه‌ای زیبای درختان، و نقاشی
نمایش ~~[illegible]~~ شده است در جای مجسمه‌ای شیر و ببر و پلنگ
و طاوس و باز و غیره. حیف این است که برای تزیین
راه سر انقلاد ده روز در اینجا آمادگی لازم است و آن وقت
زنده با هر و نقاشی بکردار که شرایط لازم مهره آن بر آید
دنیای این همه و این شکوه و عظمت همه از طرف فرهنگ ایرانی
بها نیز روی داده است
مثلاً را به رابطه اینکه در این روز شب بود و در این نمایش
در لحظه اول اطاق ... نبود نور را در مهمانان ۳
شیوه کرده‌ایم در کتاب صبحانه و نهار را در مهمانان نمایشگاه صرف کردیم

منبع آب که از کوه می‌آید و شهروندان خوردن است و مصرف کرده است
نه آب کم ... و منبع آن هر جا که درست کرده‌اند شاید بیش از صد سال از آن
درست شده و لوله برای تصفیه آب که پس از تصفیه با لوله‌ای به ~~[illegible]~~
وارد و پخش کرده‌اند.

روز یکشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۱۷

صبح ساعت [illegible] رفتیم حمام [illegible] شد حمام عبارت بود
از چند راهرو [illegible] و [illegible] و در چند دیوان [illegible] آب و دیگر [illegible]
و در طرف [illegible] و [illegible] که [illegible] داشتیم
این باغ [illegible] بود.

بعد از آن منزل [illegible] پیاده رفتیم [illegible] و [illegible] وضع آب [illegible]
و [illegible] در [illegible] خورده [illegible] حرکت کردیم باز شاید یک فرسخ
راه [illegible] بود تا نزدیکی [illegible] و [illegible] که در
عرض راه [illegible] (جا یک سر) و دیگر [illegible] (دارد و [illegible])
رود [illegible] خوب است در آنجا گذشته به [illegible] رسیدیم
در آنجا [illegible] رسیدیم به یک مزرعه [illegible]
که مال [illegible] بود یک مرد که صاحب مزرعه بود با خنده
زن [illegible] در مزرعه کار [illegible] صاحب مزرعه [illegible]
و بعدا گفت [illegible] چند و کاشی جاها را توضیح [illegible].

جاهای عجیب زیاد [illegible] این [illegible] است که [illegible]
به [illegible] تماشای [illegible] آن وقت ما را [illegible]
[illegible] بود و اول [illegible] را که در آنجا [illegible]
[illegible] این [illegible] است که [illegible] طبقه [illegible]
و در هر طبقه [illegible] آن [illegible] که [illegible] اطراف آن تخته
و [illegible] و [illegible] ندارد [illegible] آن [illegible] است
و در طبقه اول [illegible] و [illegible] که [illegible]
[illegible] و [illegible] باید [illegible] که [illegible]
و این اندازه [illegible] و اگر [illegible]
و [illegible] برای [illegible] خوردیم

صاحب مزرعه [illegible] ما را [illegible] که [illegible]
[illegible] و حرکت کردیم این [illegible] بگذاریم
که کارگران [illegible] زنان

ودختران هم قبر مرده‌شان جلو آن کاری می‌کنند گاهی
برای دعا و یا زیارت چشم را به زمین می‌گذارند و می‌خوانند
به هر مزرعه‌ای که رسیدیم می‌گفت یک مزرعه ده وجب و
با کمی پیش کار ریختند در میان اینها گاهی یک نو پیدا می‌شود
ولی هزاران تا این اندازه نیست
این بیشتر بود که تماشا کردن است رونده وارد شهر
شدیم شهر با یک شبی بود در مهمانخانه ایران نزدیک است
بیست و هشت دقیقه که شهر مهمانخانه‌هایش زیاد است منزل کردیم
نخستین کاری که کردیم حمامی که در آن نزدیکی بود و حمام خانه‌ها
بالای [illegible] زشته شده بود رفتیم این حمام خزینه داشت و دوش
داشت نه خوب بود و نه بد شلوغ بود ولی این حمام
بود. قبلاً شنیده بودیم که خوراکی مهمانخانه ایران
خوب نیست آن شب را در مهمانخانه ساده شام خوردیم خیلی خوب
بود.

که از آنجا به بیدار رفتیم تا جایی که برود الا آنکه هوا تاریک
و حقه به نظر می‌آمد شب و تک بیابان کاده باشد تا رجزای رفتیم
بیشتر به نظر آدمی بد نبود ساعت ده و نیم خوابیدیم

روز

روز جمعه ۱۳/۳/۱۷

صبحانه را در مهمانخانه خوردیم:
کره، تخم مرغ، نان، چای و مربا بود (و شیر نداشت) چیزی
که راحت بود این مهمانخانه عمارتی دارد و اطاقهایش تمیز بد نبود
و کرایه هر تخت یک تومان است و نظافت است
در ساعت ظهر آمده آقای ملک‌زاده رئیس معارف تشریف آوردند

~~[illegible]~~ ، اطاقهای دیگر و بیرون ناظر است
های کاظمی اینها در ادوار سلاطین شرقی یا شاهان سوم [illegible]
گذشته بهمان صحافخانه وارد شده بود ما در سالن فرق نشسته
بودیم که آقای نایب الاشراف آمد و قدری راجع به
مهاجرین را در آنجا [illegible] ، [illegible] اردبیلی
و شاه [illegible] که برای آنجا سواری درست شده بود
خراب کرده اند دزد [illegible] ، بطرف ایرانیان [illegible] را
هست روسی بیرون کرده و اتفاقاً ایران وارد شده حال
متصرف اند اینها هیچ حرف ندارند)
حیدر آقای کاظمی تشریف بردند و دیگر پس از منزل های ملک زاده [illegible]
کردند که ما [illegible] که عبارت از های صدور باشد منزل
آمده منتظر ما است ، اطاق منزل آنان رفته ، های صدر
ملاقات کردیم آن چهره ها [illegible] را دیدیم که خیلی پژمرده
نظر می آمد ، وجود [illegible] باز خوش بود

پس از رفتن های صدور ما قدری نشستیم و خانم های ملک زاده هم آمدند [illegible]
خیلی اظهار مهربانی کردند و های ملک زاده برای فردا شب [illegible]
دعوت کرد و منزل مراجعت کردیم امروز ناهار را در [illegible]
ناهار خوردیم خیلی با مزه بود
کمی خوابیدیم [illegible] بعد از ظهر منزل های صدور رفتیم
و از [illegible] آقایان محظوظ شدیم و های [illegible] را
سوغات کردیم های صدور [illegible] ، [illegible]
از آنجا بازگشتیم قدری در خیابانها و بازار گردش کردیم
در اینجا بازار رو پوشیده نیست بازارهای قدری تنگ و در جلو
[illegible] دارد ولی بازار جدید [illegible] خیابانهای
جدید است [illegible] شهر زنده [illegible] مردم [illegible] کار
دارند [illegible] تمام [illegible] عمارات [illegible]
[illegible] که [illegible] است

شیوه کارهای ملک داده شاگردان را امکان کرد و ورزش را
حسبی می کنند

و در جمله دیگر کارفرما را با یک شاگرد دیگر نام فرقان جو
داد شاگرد مدعی بوده است که کارفرما به شیری که یکی
از دانش آموزان بوده سفارش کرده و طلب است و به های
و بار دیگر که زران ورقه که به شیری داده بیم اهم مرحمت فرمایند
و آن را هم جواب نخست می دهد این بند ملو و ورقه ها از شیر را
پیگرد و دیگر بده بابا دانش آموزان این است که ریاست ناظر
باید خود آن ورقه را که باشد دلیم باره شده آن را
از دانش می گیرند حالا این ورقه را واقعا کارفرما را هم تعبیه
یا اینکه این شاگرد دروغی ورقه بدست گرفته ولی تاثیر نیاید
ظاهر است جای تردید است اگرچه این شاگرد نمره ها آمد
و شاگرد بسیار کاری نیز می آید ولی کارها هم نتوانست که
~~[illegible]~~ خبری در بیان نبرده است.

گیلان بویلچه محصولات عمده آسیا که بسیار ایالات و ولایات
ایران برتری دارد شش محصول عمده اینجا بدست آید :
۱ـ ابریشم ـ ۲ ـ برنج ـ پنبه ـ کنف ـ چهارم
توتون پنجم
که هر یک از اینها در عدادات خود محصولی مهمی است

پس از ذکر این محصول مهم ما به اینکه های ایالت عظیم و خیلی بزرگ
از جمله مدیریت کارخانه و مدیریت دبیرستان انگلیسی نیز گرفت
اورده
امروز شنیده شد که در آستان کارفرما را با یکی گذاشته
فرقان جو مدیر آن شاگرد ایم است که شب کرد و آن
فرمایش شده و خواهش است اداره کل کارهای دله گرده
شاگرد دیگر تحصیل به کارفرما رده و در بسیار اتفاقات ها دیگر

~~[illegible]~~ روز شنبه ۱۴/۳/۱۷

امروز به دبیرستان رفتیم آقای فریار رئیس اتابک لو
آقای ناظم دبیرستان و آقای ... اداره معارف از ما پذیرایی
کردند آقای محقق پور نیز در دبیرستان بود . از آنجا با آقای
محقق پور با اداره معارف آمدیم پس از صرف چای با اداره
دخانیات رفته با آقای امیر اعظم ملاقات کردیم .
نهار را در منزل آقای صدر صرف کردیم و آقای ... و داماد ایشان
نیز تشریف داشتند گویا ایشان در دفتر آقای صدر هستند
عصر باز با آقای امیر اعظم ملاقات کرده با ایشان به دیدن
کارخانه کبریت سازی رفتیم .
مدیر کارخانه آقای نهاوندی یکی از تجار تبریز است و در خصوص ماشین‌ها را ...
اطلاعات کافی نداشتند ... کارخانه ... [illegible]

این کارخانه هشت ماشین های قسم در قیمتی ... دیگر که
هر یک از آنها وظیفه جداگانه دارند است . ... تا ماشین بزرگ ...
دارد که یکی قبلا ساخته شده و دیگری جدیداً ... تا ماشین ...
باید یکی در حکم ماشین وارداتی است ~~[illegible]~~ و دیگر ساخته ماشین
عبارت از ... ماشین ... که ... به ... ~~[illegible]~~
که ~~[illegible]~~ و دیدن در ...
ماشین در حقیقت یک ماشین ... دو ماشین اول ...
... را طوری ... است اولی را عوض می و
خود ... است دومی را ... شد .
در اتاق کف ... چوب را پاک ... و چوب را ریز ... و چوب را ...
از اتاق ... کار ... ملاحظه کردیم و ... از ...
آقای نهاوندی ... و ... در آنجا ... بردیم
با ... آقای نهاوندی ... مخصوص ...

هشت هزار بوطه قالی بافته که در کلیه یکصد هزار تومان برده و حق
باید اکنون از هشت هزار بوطه گذشته دیگری آن برایش در
حدود ۴ نصد هزار تومان است و قرار ؛ نصد هزار تومان هم سلسله و ترکها
باید شوند یعنی صد هزار تومان فعلا یک میلیون تومان رسیده است
سرمایه این شرکت محدود سهامی قالی یک میلیون تومان است
دارد منافع آن صد درصد است ، این شرکه دارد است وقتیکه گوید
باید [illegible] شود .

و بعد کارگاه را دیدم .

شب ساعت هشت منزل آقای ملک زاده رفتیم آقای [illegible] را از
دعوت کرده بودند و شام مفصلی تهیه کرده بود ساعت یازده
منزل مراجعت کردیم و آن شب با خوشی گذشت .

روز یکشنبه ۱۵ / ۴ / ۱۷

امروز صبح با اداره دخانیات رفته با آقای رئیس اعظم با بازدید
رفتیم و دایره [illegible] چند [illegible] بود که در هر کدام در آنها کارگران
زیادی بود که [illegible] از کار [illegible] بعد .

۱ــ [illegible] است طوری که هر یک [illegible] کارگران اینجا همه مرد بودند
و هر کدام قسمت کارهای مخصوص دارند که با آن کار ؟
که چه [illegible] ~~[illegible]~~ برگ [illegible] را [illegible] کرده [illegible]
و با [illegible] رنگ آنها را ~~[illegible]~~ شکسته [illegible] .

۲ــ جای دیگر دیدنی بود که تمامی کارگران زن و دختر بودند

وجالب این بود که قزلها را طبقه‌بندی میکردند
بچهار قسمت :

نمره ۱ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۴

و بعد آنها را که در نظر دارم گویا قریب پنصدتن تعداد
پس از طبقه‌بندی هر قسمت را در حوضهای مخصوص با آن
نمره می‌گذاشتند پس از آن هر قسمت از قزلها را با لباس
می‌کشیدند که زیر آن سوراخ سوراخ بود و بدان در سطح
گرد آنرا می‌گذشته و می‌توانستند که غربال می‌کردند
تا قزلهای ریز و درشت و کوچک در اینجا غربال بشوند .

و در یک اطاق انبار بزرگ دیگر اینها را بدل بدی
می‌کردند یعنی با سنگهای فارماکو جگر می‌کردند
هر حوضه ۲۵ کیلو وزن دارد و زیاد دکم نیست
در هر حوضه گوشت می‌گیرند ولی زیر در زیر شش بار تخم

و بطوریکه مرد گفت از پنصدتن بیشتر بوده
پس از انبار گشتیم رفتیم بمزرعه که او را مزرعه نمونه گفتندی
این مزرعه تقریباً نیم فرسخ یا چیزی بیشتر دور از شهر بود مزرعه بار
خوبی بود و قزلها بخوبی رویش بود ولی چون باران نیامده بود
بسیاری از قزلها چند سال خشک شده بود این مزرعه را
دولت از دکتر مدل) می‌گرفته تحت اختیار و برای اینکه محصول
قزلها خوب درست بشود چندتن متخصص از اروپا استخدام
شده بود با شاین مزرعه برقرار بود چند قانون و دانش
مسیو د ژان سادیدیس) بود و متخصص دیگر که در انبار
تخمها را بیش از این نگاه داشت :
مسیو د گناریس) مسیو د می‌لوی) مسیو باغوس)
در مزرعه‌ها برده که مساحت آن پنج جریب و هر جریب ۱۰ هزار متر
شد تا ۵ هزار متر مربع بود پنج قسم قزلها کاشته شده بود :

۱ـ رقم سیسون ۲۳ ـ رقم طربرون ۳ ـ رقم
ییک کولاک ۴ ـ رقم دفاینایب ۵ ـ رقم
قانتم با قره ازبیر .

این مزرعه مخصوص تحقیقات پنبه و از جانب ملک
زمین دراجاره کرده و کاشته است دستگاه وزین این است
که خوشی اینها بدست آورده و مقداری از تخم و قشاری آن برای
حاجی و به مقداری را خودشان برای تجزیه نگاه دارند .

امروز را با مهرداد رشتی مارا نهار مهمان کرد و این جوان
ازش کردانی می بود جوانی کدامی خوشی اخلاقی است
پس از خوردن نهار و ... بازار رفتم چند جفت
جوراب خریدم در مراجعت دیدم با مهرداد یک بسته عصائی چوب
با دو قوطی مربا بمنزل آورده بود . آن شب را در مهمانخانه
... شام خوردیم که بسیار روحانی هم زد بود .

روز دوشنبه ۱۶

امروز با حاجی نظام مرغ در اداره فلاحت کاری داشتند
که باقی انبار وینه صحیح خواهد از پی انبار آن رفت
منهم نیز به بازار رفتم و در بازارهای اینجا هر مرحم حاجی ... حق را
بودیم که سیری کوچه تنگ ایشان ... ره نقد و ... بسیار
به راطو رحمتهای کرد جای آورد ... تا روزی ابر باران
حاجی نظام مرغ دنیا آمدم و مختصر خریدی کردم

امروز عصر ساعت چهار به بندر پهلوی عازم شدیم حین نگاه زمان
رسیدیم دیدیم که همه جا تیره است و ابری ابرو ... گرفته
... صحن ... تیره شده که ... بزرگ و دیگران
... بدان شوری که حکم بود حین بدان طرف گرفتیم اول با دلیره بساط
رفتیم باقی ... که پس از نو ... صحبت کردیم و یک فنجان چای
خوردیم با ... که ... حرم ... شاه تبریزی بود لذا ...

برای تماشا رفت اشاره شد بدانجا آمده بود با اشتیاق هر چه بیشتر
رفتیم منظره بسیار خوبی داشت که مشرف بدریا بود [illegible]
بعد از شام بمنزل آمدیم که غروب یعنی از غروب هوا [illegible] ایران
اینجا [illegible] را دیدیم رفتیم برای دیدن ماهی گیری
[illegible] که تازه آمده بود چون داروشان [illegible] که ماهیان [illegible]
[illegible] و یک مرد که از زنها که از اینجا بود [illegible]
بعضی بود [illegible] در دریا [illegible] حکایت میکرد از آنها
برگشتیم آمدیم [illegible] و دیگر توقیف کردن دنیا
[illegible] سیاه شده بود [illegible] لب دریا چراغهای الکتریک
بدریا [illegible] بود دیدیم [illegible] روی دریا را [illegible] می آوردند
[illegible] دیگر [illegible] دریا [illegible] بود [illegible]
[illegible] که [illegible] خود [illegible] گاهی [illegible] کردم
که دریا [illegible] گاهی [illegible]
[illegible] در دریا [illegible] گاهی سلام [illegible]

وگاهی [illegible] عمارات [illegible] و [illegible] دیگر که [illegible]
[illegible] اطراف [illegible] منظره می [illegible] از آن حال [illegible]
که دیدم مردی [illegible] آمد [illegible]
[illegible] یک [illegible] گرفت [illegible] که [illegible]
[illegible] بود [illegible] دیگر [illegible] بود [illegible]
[illegible] منزل خوب [illegible] مردی [illegible]
آن شب را [illegible] هوا [illegible]
و [illegible] آب [illegible]
~~[illegible]~~
~~[illegible]~~

روز شنبه ۱۷/۳/۱۲

پس از خوردن صبحانه با رفقای دیگر از خانه بیرون آمدیم
[illegible] و چند قوطی [illegible] روشن [illegible] و سه تا [illegible]
[illegible] خریدیم [illegible] دارد [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] اینها [illegible]
در آنجا می فروختند و دکانها [illegible] بندرپهلوی [illegible]
میکردند [illegible] دیگر غذا [illegible] کرده [illegible]
نشستیم و به [illegible] آمدیم [illegible] چون [illegible]
ما [illegible]
که [illegible]
[illegible] اگر [illegible] که [illegible]
[illegible] بندرپهلوی آمده بودم چون [illegible] را
[illegible] که [illegible]
[illegible] چون ما [illegible]

[illegible] ولی [illegible]
می [illegible] ولی [illegible]
[illegible] ولی [illegible] ۱۱ وارد
[illegible] رفتیم [illegible]
[illegible] تشریف [illegible] که ما را [illegible] دعوت [illegible] چون
رسیدیم [illegible] بندرپهلوی [illegible]
[illegible] صرف [illegible]
[illegible] رفتیم [illegible]
[illegible] بودیم [illegible] بیرون آمدیم [illegible]
[illegible] تشریف [illegible]
[illegible] صرف [illegible]
[illegible] غذا [illegible] کرده بیرون آمدیم
[illegible] کردند [illegible]
[illegible]

اتاق را ساعت شش بعد از ظهر حرکت کردیم و همراه شوفر بالش را
نیز همراه بردیم اول خیال این را داشتیم که از راه رضائیه
نرویم زیرا از آنجا بطهران برویم ولی ملک زاده ما را از این قصد
منصرف کرد از راه دریا کنار حرکت کردیم [illegible]

ساعت ۹ به رامسر رسیدیم از دیدن این زمین با صفا
باز خطی کردیم در مهمانخانه شام خورده حرکت کردیم حدود چالوس
رسیدیم مردد شدیم در شب که از راه مخصوص برویم یا از راه [illegible]
[illegible] از راه فیروزکوه [illegible] عطار [illegible]
که از راه مخصوص برو ولی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] چون نزدیک رسیدیم راه [illegible]
[illegible] ساعت سه و نیم صبح [illegible] رسیدیم در شهر [illegible] دیده
[illegible] یک دفعه [illegible] را دیدیم که [illegible]
دیگری [illegible] از آن [illegible] رسیدیم که در آنجا
مهمانخانه [illegible] خوشبختانه [illegible] دیده
بودیم ولی تصور کردیم که شاید [illegible] یک دفعه
[illegible] برگشتیم و آن [illegible] رفتیم یک دفعه [illegible]
وارد مهمانخانه شدیم اطاقی دارند که [illegible] خواب [illegible]
[illegible] صبح [illegible] عطار [illegible] رفت ولی
خواب [illegible] زیرا [illegible] چون [illegible]
[illegible]
روز [illegible] تیر ۱۸ [illegible]
چون خوابم [illegible] بحمام بروم شاید [illegible] رفت [illegible] حمام رسیدم [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

قدری گردش کردیم ساعت شش منزل آمدیم بعد آقای عطاری
برادر خواب رفته بود یک فنجان چای خوردیم بعد
آقای عطاری را بیدار کردیم با [illegible] به بازار رفتیم در آنجا
بوی [illegible] نمی‌آید [illegible] در بازار [illegible] که چه [illegible] ما را
می‌دیدند قدری خندیدند و سلام می‌دادند و در آنجا در دکان‌ها
[illegible] جا دیدیم که [illegible] قرآن [illegible] است [illegible]
با علاوه [illegible] رفتیم [illegible] آنجا [illegible] اوقاف [illegible]
کرد چون چند دقیقه در آنجا توقف کردیم بیرون آمدیم
رفتیم به دیدن مرقد [illegible] که از عمارات کهنه بود
ولی خیلی ویران و خراب بود و همه [illegible] بود که [illegible]
بام درختان [illegible] روییده بود [illegible] آدم [illegible]
[illegible] بود در [illegible] [illegible] ؟
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] شهر جدید و قدیم [illegible]

ساختمان‌های خوب و عمارات تازه و [illegible] عمارات کهنه [illegible]
قدیم خیلی کثیف و خانه‌های بد و کوچه‌های تنگ. در آنجا [illegible]
رودخانه از وسط آنجا در [illegible] است این رودخانه دارای
[illegible] است یکی قدیم و یکی جدید [illegible] [illegible] جدید
[illegible] [illegible] شده [illegible]
ساعت نه و نیم از آنجا حرکت کرده ساعت [illegible] رسیدیم و در آنجا مختصر
نهاری خورده ساعت ۱۱ حرکت کردیم تقریباً [illegible]
[illegible] [illegible] بعد [illegible] حرکت کرد [illegible]
[illegible] توقف کردیم [illegible] [illegible]
[illegible] که [illegible] [illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] [illegible] در آنجا [illegible]
براه افتادیم [illegible] [illegible] راهی [illegible]
[illegible] که [illegible] [illegible] [illegible]
خدا را شکر کنیم [illegible] ساعت [illegible] و نیم [illegible]

[illegible]

طهران شدیم